

بررسی دیدگاه ابوالبرکات بغدادی درباره معیار ارزش اخلاقی

حسن محیطی اردکان^۱

چکیده

مهم‌ترین مسئله در حوزه اخلاق هنجاری مسئله معیار ارزش اخلاقی است. هریک از فیلسوفان اخلاق اسلامی و غیر اسلامی در پاسخ به این مسئله دیدگاهی را نظیر غایت‌گرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی اتخاذ کرده‌اند. در این میان دیدگاه ابوالبرکات بغدادی، فیلسوف و متفکر قرن پنجم هجری قابل توجه است. هدف پژوهش حاضر تحلیل و بازخوانی آراء وی درباره معیار ارزش اخلاقی و نسبت آن با دیدگاه‌های رایج است. روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است و نیم‌نگاهی به مقایسه با آراء فیلسوفان مطرح سودگرا یعنی جرمی بنتام و جان استوارت میل نیز داشته است. حاصل پژوهش این است که نظریه ابوالبرکات بغدادی نظریه‌ای غایت‌گرا است و بر سعادت‌گرایی منطبق است. وی در یک تبیین معیار ارزش اخلاقی را لذت دانسته و در بیانی دیگر تشبه الهی را مطرح کرده است. بغدادی در تبیین لذت‌گرایی به دقت معیارهایی را برای محاسبه لذت و رنج افعال مطرح کرده است که با معیارهای بنتام و میل قابل مقایسه می‌باشد. بنابراین برخلاف دیدگاه برخی محققان، بنتام را نمی‌توان واضح و مبتکر اندیشه محاسبه لذت دانست و از این جهت ابوالبرکات بغدادی حدود هفت قرن بر او تقدم دارد. افزون بر این، معیارهای بغدادی به جهت اشمال بر سعادت اخروی و عنصر کیفیت جامع‌تر است.

واژگان کلیدی: ابوالبرکات بغدادی، اخلاق هنجاری، ارزش اخلاقی، معیار ارزش اخلاقی، لذت‌گرایی

مقدمه

پاسخ به پرسش از معیار ارزش اخلاقی مهم‌ترین بحث در اخلاق هنجاری است و زمانی که مبتنی بر روش عقلی و فلسفی باشد از مسائل فلسفه اخلاق به شمار می‌آید. تاکنون فیلسوفان بسیاری این مسئله را بررسی کرده و پاسخ‌های گوناگونی را ارائه کرده‌اند. بدیهی است که پاسخ‌های ارائه‌شده مبتنی بر مبانی پذیرفته‌شده از سوی هریک از ایشان است و تفاوت در مبانی، اختلاف در آراء را به دنبال دارد. از این منظر تفاوت پاسخ‌های اندیشمندان اسلامی با متفکرین غربی و شرقی روشن و قابل درک است. این اختلاف در میان اندیشمندان اسلامی نیز کم‌وبیش وجود دارد. این اختلافات گرچه به ویژه در میان عدلیه و بالأخص در میان عالمان مذهب تشیع تا حدودی رو بنیایی است و اختلافی بنیادین به شمار نمی‌آید، اما همین اختلافات مایه تمایز اندیشه‌های فیلسوفان اخلاق از یکدیگر است و شناخت دقیق هریک از این دیدگاه‌ها، هم فی نفسه ارزشمند است و هم به جهت تأثیرگذاری در درک سایر دیدگاه‌ها پربها است.

به طور خلاصه می‌توان گفت در پاسخ به پرسش از معیار ارزش اخلاقی سه دیدگاه غایت‌گرایی، وظیفه‌گرایی و فضیلت‌گرایی مطرح شده است. تحقیق پیش رو به هدف پاسخ به این پرسش‌ها ارائه شده است که ابوالبرکات بغدادی (۴۵۷ یا ۴۶۷ ق- حدود ۵۴۷ ق) (ابن‌ابی‌اصیبعه، ۱۳۷۶ق، ج ۲، ص ۲۹۹-۲۹۶؛ قفطی، ۱۳۷۱ق، ص ۴۷۲-۴۶۸) معیار ارزش اخلاقی را چه می‌داند و دیدگاه وی بر کدام‌یک از نظریات اخلاقی منطبق است و از چه شاخصه‌هایی برخوردار می‌باشد. استخراج، استنباط، تحلیل و بررسی آراء ابوالبرکات بغدادی در حوزه فلسفه اخلاق پیش از این مورد توجه اندیشمندان و فیلسوفان اخلاق قرار نگرفته و بررسی پیشینه پژوهشی مسئله مورد نظر نتیجه خاصی را نشان نمی‌دهد. از این منظر به نظر می‌رسد پژوهش حاضر را می‌توان پژوهشی بدیع و نخست در این باره به شمار آورد.

نخستین گام برای پاسخ به مسئله پژوهش معناشناسی مفاهیم کلیدی است. از این رو جهت پیشگیری از هرگونه ابهام یا سوء برداشت، به تبیین مراد از معیار ارزش اخلاقی و لذت‌گرایی اخلاقی پرداخته خواهد شد. تبیین، تحلیل و بررسی آراء وی نیز در گام بعد صورت خواهد گرفت.

معیار ارزش اخلاقی

معیار به معانی اندازه و پیمانی است که با آن چیز دیگری سنجیده می‌شود (دهخدا، ۱۳۷۷، ذیل معیار). در فرهنگ معین و عمید نیز مقیاس و آلت سنجش، سنگ محک و ترازو برای سنجش زر در ذیل معنای معیار ثبت شده است (معین، ۱۳۸۰، ذیل واژه معیار؛ عمید، ۱۳۸۰، ذیل واژه معیار). زمانی که

از معیار ارزش اخلاقی سخن گفته می‌شود، سنجش میزان مطلوبیت یک وصف یا فعل اختیاری مدنظر است و چنین سنجشی نیازمند ابزار، سنگ محک و شاخصی است تا بر اساس آن میزان مطلوبیت هر فعلی در نسبت با آن شاخص مشخص شود و به تبع امکان سنجش مطلوبیت امور اختیاری با یکدیگر نیز فراهم گردد.

اهمیت بحث از معیار تا جایی است که بدون آن نه می‌توان میزان مطلوبیت هر یک از امور اختیاری را به صورت مستقل مشخص کرد و نه می‌توان به ارزش هر یک از امور اختیاری در نسبت با دیگر مصادیق پی برد و به تعیین اولویت‌های اخلاقی پرداخت. همچنین فقدان معیار، تصمیم‌گیری در تزاحمات اخلاقی را دچار مشکل خواهد کرد و فاعل اخلاقی را در حیرت و سرگردانی باقی خواهد گذارد.

در پاسخ به این پرسش دیدگاه‌های غایت‌گرایی و وظیفه‌گرایی اخلاقی مطرح شده‌اند. در دیدگاه‌های غایت‌گرا معیار ارزش اخلاق، غایت یا نتیجه‌ای است که از انجام یک کار یا اتصاف به یک صفت حاصل می‌شود. در وظیفه‌گرایی بر وظیفه و تکلیف اخلاقی به عنوان معیار ارزش اخلاقی تأکید شده است (Frankena, 1982, p.14-17). گاه از دیدگاه دیگری یعنی فضیلت‌گرایی نیز سخن به میان می‌آید که در مستقل و هم‌عرض بودن آن با دیدگاه‌های مذکور اختلاف نظر وجود دارد و تحلیل و بررسی آن مجال دیگری را می‌طلبد، اما آنچه مهم است این است که فضیلت‌گرایان به جای فعل، بر منش، حالات و صفات نفسانی انسان تمرکز دارند و ملکات نفسانی را معیار ارزش اخلاقی می‌دانند (Rachels, 2014, p.159-160).

سعادت‌گرایی در اندیشه اخلاقی بغدادی

دیدگاه هنجاری ابوالبرکات بغدادی به سبب وابسته دانستن ارزش امور اختیاری به غایت و نتیجه آن، از نوع غایت‌گرایی اخلاقی است (بغدادی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۲۸-۴۲۷ و ۴۴۷؛ همان، ج ۳، ص ۱۰، ۱۲۱-۱۲۰). مفهوم محوری در غایت‌گرایی بغدادی سعادت است و غایت‌گرایی مورد نظر وی یکی از اقسام سعادت‌گرایی به شمار می‌آید. دو تبیین از سعادت‌گرایی از تعابیر وی قابل اصطیاد است؛ تبیین از راه خیر نسبی و تبیین از راه خیر مطلق. تبیین نخست منطبق بر لذت‌گرایی است و تبیین دوم بر تشبه به خداوند و عالم لاهوت اشاره دارد. البته برخی عبارات بغدادی نشان می‌دهد که تبیین دوم قابل بازگشت به تبیین نخست است.

لذت‌گرایی در اندیشه اخلاقی بغدادی

از منظر بغدادی مفهوم سعادت با خیر یکسان است و به معنای لذت می‌باشد (همان، ج ۲، ص ۴۲۸-۴۲۷ و ۴۴۷). همچنین وی ماهیت سعادت و خیر را بدون تفکیک از یکدیگر و بر محور خیر نسبی

تبیین نموده است. خیر نسبی در نسبت با چیز دیگر خیر به شمار می‌آید. یکی از اقسام خیر نسبی لذت است. لذت در نسبت با ملتذ و فردی که لذت می‌برد معنادار است. از این رو، لذت مفهومی نسبی است و به همین دلیل در نسبت با افراد متفاوت می‌شود (همان، ج ۳، ص ۹). به باور بغدادی، سعادت و خیر هر نفس، دستیابی به لذتی است که نزد آن نفس ذاتاً مطلوب است. شقاوت و شر برای نفس نیز رنجی است که نفس از آن ذاتاً گریزان است: «فان السعادة لكل نفس و الخیر الذی بحسبها إنما هو نیل اللذیذ المطلوب لذاته عندها و الشر لها هو مقاساة المباین المؤذی المکروه لعینه» (همان، ج ۲، ۴۲۸-۴۲۷).

از برخی تعابیر بغدادی چنین برداشت می‌شود که سعادت جز با دستیابی و وصول به محبوب تحقق نمی‌یابد و تحقق لذت ذاتی با تحقق خیر ذاتی پیوند تنگاتنگی دارد و اولی دست‌کم مستلزم دومی است. «و لیس السعادة عند أحدهما إلا نیل محبوه. فکل ملتذ به بالذات و أولاً خیر بالذات لذلك الملتذ به» (همان، ص ۴۲۸). وی در جایی دیگری نیز با تعبیر «فتکون سعادتها به التی هی لذتها و خیرها اتم و افضل» به تساوی سعادت و لذت اشاره کرده است (همان، ص ۴۴۷). بر این اساس، لذت مطلوب ذاتی است و از این رو ارزش ذاتی دارد و بر اساس آن باید سایر افعال و صفات را به لحاظ اخلاقی ارزش‌گذاری نمود.

بر اساس دیدگاه وی، در ارزش‌گذاری صفات و افعال انسانی باید به مراتب لذت و رنج توجه نمود و با سنجش میزان لذت و رنج بر اساس برخی معیارها به ارزش‌گذاری آنها پرداخت. پرسش آن است که ارزش اخلاقی را با توجه به کدام معیارها می‌توان سنجید و معیارهای سنجش لذت و رنج کدام‌اند؟

معیارهای سنجش لذت

آنچه توجه به نظریه هنجاری ابوالبرکات بغدادی را بیش از پیش مهم می‌کند این است که وی با اینکه حدود هفت قرن پیش‌تر از جرمی بنتام (۱۷۴۸-۱۸۳۲) و جان استوارت میل (۱۸۰۶-۱۸۷۳) می‌زیسته، به عناصری در تعیین میزان سود و زیان و در نهایت ارزش اخلاقی فعل اشاره می‌کند که بسیار به دیدگاه‌های ایشان شبیه است (Bentham, 2000, p.32; Mill, 1957, p.12-13). گرچه بررسی تفصیلی تاریخی و فلسفی این مسئله مجال دیگری را می‌طلبد، اما توجه به فاصله بین بنتام که محاسبه لذت به عنوان ابتکار وی نامیده می‌شود (ژکس، ۱۳۵۶، ص ۵۲)، با ابوالبرکات بغدادی که تقریباً همان ملاک‌ها را برای محاسبه لذت نام برده و تبیین کرده به حدود هفت قرن می‌رسد و از این منظر وی را باید دست‌کم در طرح مسئله محاسبه لذت و رنج و ارائه ملاک‌های مرتبط پیش‌گام دانست.

به هر صورت، از منظر بغدادی، مراتب خیر و لذت به حسب ذات (معیارهای ذاتی)، نتایج (معیار نتیجه)، و ویژگی همراه (معیار لازم ذات)، و مدرک لذت (معیار فاعل) متفاوت است: «الخیرات و اللذات قد تختلف فی أنفسها بذواتها و بحسب ما یتبعها و یکون معها و عند الملتذین بها» (بغدادی، ۱۳۷۳، ج ۲)، ص ۴۲۸. در این تعبیر «فی أنفسها بذواتها» ناظر به معیارهای ذاتی است، «بحسب ما یتبعها» ناظر به معیار نتیجه است، «[بحسب ما] یکون معها» ناظر به معیار لازم (همراه) ذات است و «عند الملتذین بها» به معیار فاعل اشاره دارد. با شناسایی گونه‌های تفاوت لذات، می‌توان به میزان ارزش اوصاف و افعال انسان پی برد و در موارد تراجم، فضائل اخلاقی را بر رذائل ترجیح داد. بغدادی معیارهایی را برای طبقه‌بندی لذات برشمرده که به نظر می‌رسد مسبق به سابقه نبوده است. این معیارها عبارت است از: مدت، شدت، کیفیت، باروری، خلوص و مرتبه مدرک. سه معیار نخست (مدت، شدت، کیفیت) مربوط با تفاوتی ذاتی لذات با یکدیگر است. معیار باروری با نتایج فعل مرتبط است. خلوص، به لازمه ذات (لازم در اینجا به معنای همراه ذات) نظر دارد و مرتبه وجودی مدرک نیز ناظر به درک‌کننده لذت است.

معیارهای ذات: مدت، شدت، کیفیت

ذات لذت‌ها به لحاظ مدت، شدت و کیفیت با یکدیگر تفاوت دارند. بر اساس معیار مدت، هر لذتی طولانی‌تر باشد از لذتی که کوتاه‌تر است بهتر و باارزش‌تر می‌باشد: «فإن کل لذة هی اطول مدة الذاذ فهی أفضل من الأقصر مدة منها» (همان، ص ۴۲۸).

شدت و قوت لذت عامل دیگری براس محاسبه لذت به شمار می‌آید. بر این اساس، لذت قوی‌تر و شدیدتر برتر از لذت ضعیف‌تر است. سومین معیار محاسبه لذت، توجه به کیفیت لذت است. بر پایه این معیار، لذاتی که نوع برتری دارند و عالی‌تر هستند نسبت به لذات پست‌تر از ارزش بالاتری برخوردارند. ابوالبرکات بغدادی به دو معیار شدت و کیفیت با تعبیر اقوی و أفضل در برابر أضعف و أخس در یک جمله اشاره کرده است: «فکل لذة أقوی و أفضل نوعاً فهی أفضل من لذة أضعف و أخس طبعاً» (همان، ص ۴۲۸). اقوی در برابر أضعف در این عبارت، نشان‌دهنده معیار میزان شدت است و أفضل نوعاً در برابر أخس طبعاً حاکی از معیار کیفیت است و به تفاوت نوعی لذات در نزد وی اشاره دارد و تمایز لذات عالی از دانی که جان استوارت میل بعدها به عنوان اصلاحی بر نظریه بنیادین بدن اشاره کرده را به ذهن متبادر می‌سازد.

معیار نتایج: باروری

گاهی تفاوت لذت‌ها ناشی از نتایج و پیامدهای آنها است. به باور بغدادی هر لذتی که همراه با لذت دیگری باشد بهتر از لذتی است که فاقد چنین خصیصه‌ای است و از میان لذاتی که در به

همراه لذت دیگر بودن با هم شریک هستند، آن لذتی ترجیح دارد که با لذت برتری همراه است. بنابراین معیار ذاتی لذت همراه و به عنوان نمونه کیفیت لذت همراه نیز در ارزش لذت مؤثر است. همچنین اگر در نتیجه حصول یک لذت، لذت یا لذات دیگری ایجاد شوند و چنین توقعی وجود داشته باشد و به تعبیر دیگر اگر آن لذت بارور باشد نسبت به لذاتی که از این ویژگی برخوردار نیستند برتری دارد. اگر در مواردی چند لذت در بارور بودن با هم مشترک هستند، لذتی برتر شمرده می‌شود که معیارهای ذاتی و مثلاً کیفیت لذت به دست آمده نسبت با نتایج سایر لذت‌ها برتر باشد: «کل لذة تستصحب لذة فهي أفضل من مثلها إذا لم تستصحب أخرى و ما تستصحب الأفضل فهي أفضل. كذلك فيما يستتبع مما يأتي بعدها و يتوقع حصوله» (همان، ص ۴۲۸).

معیار لازم ذات: خلوص

معیار دیگر برای تفاوت لذت‌ها معیار خلوص است. مطابق با معیار خلوص، لذت خالص‌تر با ارزش‌تر از لذت با خلوص کمتر است. بغدادی خلوص را نیز همانند سایر معیارها و بلکه با ظرافت و دقت بیشتری تبیین کرده است. در نگاه وی، خلوص لذت با توجه به سه عامل زمان تحقق لذت، پس از آن و لذت مورد انتظار در آینده سنجیده می‌شود. بنابراین لذتی که به صورت بالفعل خالص‌تر باشد به این معنا که رنج کمتری به همراه داشته باشد، رنج کمتری به دنبال داشته باشد یا دست‌کم مورد انتظار باشد برتر از لذتی است که رنج بیشتری به همراه دارد یا به دنبال و در اثر آن ایجاد خواهد شد و یا از آن انتظار می‌رود. بغدادی در این باره می‌نویسد: «كذلك فكل لذة أخلص من مصاحبة الأذى و استتباعه و توقعه أفضل من مستصحبه أو مستتبعته أو المتوقع بعدها» (بغدادی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۲۸).

وی به همین اندازه نیز اکتفا نکرده و محاسبه خلوص لذت را افزون بر منظر پیشینگی لذت، به لحاظ کمینگی رنج نیز بررسی کرده است. بر این اساس هر لذتی که رنج کمتری را به همراه داشته باشد یا از آن توقع برود برتر و شایسته‌تر از لذتی است که رنج بیشتری را سبب شود یا از آن انتظار رود: «وكذلك مستصحبة الأذى الأقل أصلح من مستتبعه الأذى الأكثر و كذلك فيما يتبعها و يتوقع بعدها» (همان، ص ۴۲۸).

نکته جالب توجه در معیار خلوص این است که وی معیار خلوص را از هر دو جهت پیشینگی لذت و کمینگی رنج بررسی کرده است. همچنین ابوالبرکات بغدادی لذت و رنج بالفعل و بالقوه را در محاسبه میزان خلوص افعال مؤثر دانسته و به تفکیک دقیق آنها از یکدیگر پرداخته است.

معیار فاعل: مدرک لذت

به عقیده ابوالبرکات بغدادی، لذت به معنای دست یافتن به اموری است که با نفس انسان تناسب و

سازگاری دارد. البته صرف دستیابی به امور متناسب با نفس به شرطی منجر به لذت می‌شود که هم دستیابی و هم سازگاری و تناسب آن امر با نفس درک شود (همان، ص ۴۴۴). بنابراین لذت نزد افراد و به حسب فاعل یا مدرک لذت نیز متفاوت است. این اختلاف ممکن است مربوط به هر دوی کمیت یا کیفیت باشد. ممکن است فردی از چیزی لذت ببرد و فرد دیگر از آن لذت نبرد و یا از آن رنج بکشد. همچنین ممکن است دو نفس از چیزی لذت ببرند اما در شدت و ضعف لذت با یکدیگر اختلاف داشته باشند و از این رو در ترجیح یک لذت بر دیگری دچار اختلاف شوند: «و یختلف عند الملتذین بها و بحسبهم ایضا كما أن منها ما تلتذ به نفس و لا تلتذ به أخرى و تتأذى به أخرى فکذلک یکون أشد إلذاذاً أو ایذاء لبعض دون بعض فتتفق نفسان فی الإلتذاذ بحالتین و تختلفان فی ایثار أحدهما و کذلک فی التأذى للمناسبة و المبالغة و کثرتهما و قلتهما ...» (همان، ص ۴۲۹).

ممکن است تصور شود که فاعل یا مدرک لذت را نمی‌توان معیار سنجش لذت و رنج دانست، زیرا معیار سنجش مربوط به خود لذت یا فعل لذت بخش است و بحث از فاعل یا مدرک لذت تخصصاً خارج از بحث می‌باشد. فلسفه بحث از معیار سنجش لذت این است که فاعل اخلاقی به هنگام تردید در انجام فعل بتواند با توجه به برخی ملاک‌ها افعال را با یکدیگر بسنجد و بر اساس آن عمل کند. بنابراین ملاک‌های سنجش، اموری برون فاعلی‌اند که به فاعل اخلاقی در تشخیص فعل نیک کمک می‌کنند. نگارنده نیز با چنین تصویری همراه است، اما از آنجا که بغدادی توجه به فاعل را نیز در عرض سایر ملاک‌ها درج کرده، در اینجا به تبیین معیار فاعل به عنوان ملاکی مجزا پرداخته‌ایم. افزون بر این فاعل اخلاقی نیز می‌تواند مرتبه وجودی خود را قرینه‌ای بر ترجیح برخی لذات بر بعضی دیگر بداند و به عنوان نمونه در صورتی که از مراتب بالاتر وجودی برخوردار است از تمایل به کسب لذات متناسب با مراتب پایین‌تر خودداری کند.

به هر صورت، بر اساس آراء بغدادی، تفاوت لذت ممکن است ناشی از تفاوت در قوت و ضعف ادراک باشد. کسی که درک بیشتری داشته باشد لذت امر لذیذ و رنج امر رنج‌آور و اذیت‌کننده را بیشتر احساس خواهد کرد. کسی که اثر لذت و رنج در حافظه او ماندگار شده نیز یادآوری لذت و رنج برای او لذت بخش یا رنج‌آور است.

افزون بر لزوم وجود شرایط برای حصول لذت و رنج - که درک یکی از آنها بود - فقدان موانع نیز لازم است. به همین سبب، وجود حالات معارض یا موانع نیز می‌تواند تفاوت در لذت و رنج را به بار آورد. مثلاً اگر کسی به لذتی یا رنجی مشغول باشد، لذت یا رنج دیگر را درک نمی‌کند. کسی که می‌ترسد، از خوردن غذا لذت نمی‌برد، گرچه گرسنه باشد؛ زیرا برای درک لذت خوردن، مانعی به نام ترس وجود دارد. در معرض سرما و گرما بودن نیز برای چنین فردی آزاردهنده نیست، زیرا به دلیل وجود مانع ترس، درکی از آنها ندارد (بغدادی، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۲۹-۴۲۸).

بر اساس تبیین بغدادی از ماهیت لذت، لذت در صورت درک دستیابی نفس انسان با امری حاصل می‌شود که با نفس سازگار است. نفس انسان از مراتب مختلفی برخوردار است و هر مرتبه‌ای با امری سازگار است که ممکن است سایر مراتب با آن سازگار نباشند. به همین سبب، لذت نفوس با یکدیگر متفاوت است. بنابراین هر نفسی به تناسب مرتبه‌ای که در آن قرار دارد با امور خاصی سازگار است نه آن که هر امری با تمام نفوس سازگاری داشته باشد. امور شریف با نفوس شریف سازگارند و امور پست با نفوس پست. به همین تناسب مراتب لذت نیز متفاوت است. درک نفوس عقلانی‌تر و شریف‌تر نیز قوی‌تر است. بنابراین هر چه تناسب بیشتری وجود داشته باشد و نیز درک خالص‌تری اتفاق بیفتد لذت بیشتری حاصل خواهد شد. در نتیجه، لذت نفس شریف‌تر با درک امور اشرف لذت بخش‌تر است از لذت نفس پست‌تری است که به واسطه درک امور شریف‌تر یا حتی درک امور پست‌تر - که با آن تناسب دارد - حاصل می‌شود (همان، ص ۴۳۰).

بر اساس ارزشمند بودن لذت، گرچه لذت عقلی بر بدنی ترجیح دارد، اما این به معنای بی‌ارزش بودن لذت بدنی یا دنیوی نیست، بلکه سعادت دنیوی نیز از آن جهت که نیل به امر متناسب با نفس است، لذت و خیر به شمار می‌آید و اگر خیر نبود، طلب نمی‌شد. به عقیده بغدادی، بنابراین در صورتی که دستیابی به خیر حقیقی امکان‌پذیر نباشد، نباید خود را از لذت حسی و مادی مجاز محروم کند (همان، ص ۴۴۷).

الهی بودن لذت‌گرایی در اندیشه اخلاقی بغدادی

تبیین دوم ابوالبرکات بغدادی برای تشخیص مصداق سعادت و تعیین نوع غایت‌گرایی، از طریق خیر مطلق صورت گرفته است که به دلیل نقش پررنگ خدا در آن، لذت‌گرایی وی را از سایر انواع سکولار لذت‌گرایی و سودگرایی متمایز ساخته است. خیر مطلق در برابر خیر نسبی قرار دارد و از این رو توجه به مفهوم خیر نسبی در درک مفهوم خیر مطلق از منظر بغدادی مفید است. خیر نسبی در نسبت با فردی که خیر می‌برد معنا پیدا می‌کند. مفاهیمی مانند لذیذ، نافع، مشوق و معشوق خیر نسبی به شمار می‌آیند، زیرا به ترتیب در نسبت با ملتذ، منتفع، مشتاق و عاشق فهمیده می‌شوند. خیر نسبی در نسبت با افراد متفاوت می‌شود. بنابراین ممکن است یک چیز برای کسی خیر باشد و برای دیگری شر، یا نزد فرد سوم نه خیر باشد و نه شر. این خیر نسبی، خیر نسبی خاص است. در برابر خیر نسبی خاص، خیر نسبی عام قرار دارد. خیر نسبی عام (به تعبیر بغدادی خیر نسبی مطلق) در نسبت با تمام افراد خیر است. در برابر خیر نسبی، خیر مطلق قرار دارد. خیر مطلق را تنها با خیر نسبی عام می‌توان فهمید. از این منظر، خیر مطلق را می‌توان به نور تشبیه کرد که نسبت به هر مُدرکی خیر است. با تجرید مفهوم خیر از هر اضافه و نسبتی می‌توان مفهوم خیر مطلق را درک نمود. خیر

نسبی عام نسبت به خیر نسبی خاص به معنای خیر، شایسته‌تر است. خیر مجرد از اضافه و نسبت نیز به معنای خیر، شایسته‌تر از خیر نسبی عام است (همان، ج ۳، ص ۹۰-۹۱؛ ۱۲۱-۱۲۰).

با تبیین مفهوم خیر مشخص شد که گرچه این مفهوم بر اقسام وجود یعنی وجود قارّ، دائم، واجب، واجب‌الوجود، واجب‌الوجود بالذات و وجودهای مقابل آنها یعنی وجود غیرقارّ، غیردائم، ممکن، ممکن‌الوجود و واجب‌الوجود بالغیر صدق می‌کند، اما خیر مطلق بر واجب‌الوجود بالذات منطبق است. خیر بودن خیر مطلق وابسته به امر دیگری نیست و غایت نهایی برای سایر خیرها به شمار می‌آید (همان، ص ۹۰-۹۱؛ ۱۲۱-۱۲۰). وی سعادت انسان را در گرو تشبّه به خیر مطلق دانسته است. خیر مطلق به معنای وجود مطلق و منطبق با واجب‌الوجود بالذات و همان خداوند است. بنابراین سعادت انسان وابسته به تشبّه به خداوند است (همان، ۹۱-۹۰).

بغدادی این مفهوم را به گونه‌های مختلفی توضیح داده است. وی گاهی فضیلت نفس انسانی را تشابه به علل وجودی خود دانسته و از آنجا که عالم ملکوت، علت وجودی نفس انسان به شمار می‌آید، بهترین نفوس را نفوسی دانسته که با ریاضت و عادت و تصاحب ملکات علمی و عملی به ملکات ملائکه و اشخاص سماوی شبیه‌ترین باشند: «فیما لها (النفس) بالاستفاده والاکتساب اللذین من جهة الإرتیاض و العادة فأفضلها ما كانت عاداتها و کسبها من الملكات العلمیة و العملیة أشبه بملكات الملائكة و الأشخاص السماویة» (همان، ص ۲۱۳).

این امر با استفاده از ظرفیت خاص انسان یعنی تعقل، توان استدلال و رزی و برخورداری از علوم نظری قابل حصول است. با توجه به ملاک فوق، بهترین علوم علم یقینی به شریف‌ترین موجوداتی است که مصداق خیر مطلق است. شریف‌ترین موجودات، خداوند متعال، مبدأ و سرچشمه وجود است. پس علم به خداوند متعال بهترین فضائل یا ام‌الفضائل است (همان، ص ۱۲-۱۱ و ۲۱۲). این علم عین کمال عقلی است. پس همانا کمال معرفت، معرفت به کمال نهایی است و سایر علوم نیز برای دستیابی به این علم تحصیل می‌شوند (همان، ص ۱۱-۱۰).

البته دستیابی به این مرتبه بی ارتباط با لذت و رنجی نیست که فرد از دستیابی به آن یا محرومیت از آن می‌برد. بغدادی محرومیت از این مرحله را به جاهلی تشبیه کرده که در محضر علما و اندیشمندان قرار می‌گیرد و بیش از اینکه به آنها آزار برساند خودش در رنج و عذاب است. فردی که در این دنیا با خوری حیوانی عجین شده با راهیابی به عالم آخرت بسان غریبه‌ای است که بر افرادی وارد شده است. زبان آنان را نمی‌فهمد و به عرف و عادت آنها نامأنوس بوده و بلکه از آنها ترسان و گریزان است. این مراتب از سعادت یا شقاوت در آخرت و با مفارقت نفس از بدن به دست می‌آید: «و إذا كانت النفس تفارق البدن إلى عالم القدس و اللاهوت فلا شک أن سعادتها و خیرها و خیرتها فیما قریها من أهله و أنسها بهم و حبیبها الیه» (بغدادی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۱۴).

بغدادی در نهایت تبیین سعادت از طریق خیر مطلق را به تبیین سابق لذت‌گرایی پیوند داده است. از نظر وی، دستیابی به خیر مطلق یا محرومیت از آن به این دلیل سعادت و شقاوت دانسته شده که موجب لذت یا رنج نفس انسانی است و این امر را می‌توان بر اساس تلازم دستیابی به کمال و حصول لذت تفسیر کرد. نفوس شریف، کامل و فضیلتمند در عالم الوهیت با امور سازگار با خود مواجه می‌شوند و از آن لذت می‌برند. نفوس پست، ناقص و رذیلتمند نیز با اموری ناسازگار با خود مواجه می‌شوند و از فقدان امور مطلوب رنج می‌کشند:

و كما أن الشریفة الفاضلة من النفوس بغریزتها و کمالها الإکتسابی تلقی فی عالم الهیة و عالم الروح ما یناسبها و تسعد بلقائه و نیله کذلک الخسیسة الناقصة تلقی ما ینافیها و یؤذیها و تشقی به فتسعد النفوس الکاملة بالوصول إلى المطلوب المحبوب و بالخلاص من المؤذی المکروه و تشقی النفوس الناقصة بفقد المطلوب المحبوب و مقاساة المؤذی المکروه (همان، ص ۲۱۶).

نتیجه‌گیری

مهمترین مسئله پژوهش حاضر بازخوانی آراء ابوالبرکات بغدادی درباره معیار ارزش اخلاقی بود. ابوالبرکات بغدادی به مانند سایر اندیشمندان متقدم اسلامی به طور مستقل و به شکل امروزی به بررسی این مسئله پرداخته، اما تعابیر دقیقی در مهم‌ترین اثر وی یعنی «الکتاب المعبر فی الحکمة» وجود دارد که از ظرفیت استنتاج برخی مسائل فلسفه اخلاقی به ویژه بحث از معیار ارزش برخوردار است. در این پژوهش مهم‌ترین تعابیر وی در این زمینه مورد تحلیل و بررسی قرار گرفت و این نتایج حاصل شد که:

۱. دیدگاه ابوالبرکات بغدادی از جمله دیدگاه‌های غایت‌گرایانه در حوزه اخلاق هنجاری به شمار می‌آید.
۲. نظریه هنجاری ابوالبرکات بغدادی مطابق با نوع سعادت‌گرایی از انواع نظریات غایت‌گراست.
۳. سعادت‌گرایی مورد نظر ابوالبرکات بغدادی از نوع سعادت‌گرای دینی است و از این منظر با سعادت‌گرایی سکولار متفاوت است.
۴. ابوالبرکات بغدادی با دو تبیین به توضیح و تفسیر مراد خود از سعادت‌گرایی پرداخته است؛ تبیین لذت‌گرایانه و تبیین مبتنی بر تشبه الهی.
۵. طرح مسئله محاسبه لذت و رنج قرن‌ها پیش از بن‌تام توسط اندیشمندان اسلامی مطرح شده است. بنابراین دست کم با لحاظ دیدگاه ابوالبرکات بغدادی که حدود هفت قرن پیش از بن‌تام می‌زیسته نمی‌توان بن‌تام را واضع چنین نظری دانست.

۶. تبیین لذت‌گرایانه ابوالبرکات بغدادی مشتمل بر ظرایف و دقایقی به ویژه در تشریح شیوه محاسبه میزان لذت و رنج است و با اینکه حدود هفت قرن پیش از جرمی بنتام و جان استوارت میل و در فضای متفاوتی مطرح شده، با آنها قابل مقایسه بوده و از برخی جهات نظیر اشمال بر عنصر کیفیت و لحاظ مؤلفه‌های ناظر به سعادت اخروی از آن نظریات برتر است.

۷. تبیین مبتنی بر تشبه الهی نیز گویای الهی بودن سعادت‌گرایی ابوالبرکات بغدادی است و به نظر می‌رسد با طرح نظریه لذت‌گرایی ایشان ناسازگار نباشد؛ چرا که تشبه الهی و بهره‌مندی از بالاترین مراتب لذت که لازمه تشبه به خدا است را می‌توان دو روی یک سکه برشمرد.

منابع

۱. ابن ابی اصیبعه، احمد بن القاسم (۱۳۷۶ ق). عیون الانباء فی طبقات الاطباء (ج ۲). بیروت: دارالفکر.
۲. بغدادی، ابوالبرکات (۱۳۷۳ ق). الکتاب المعترف فی الحکمة (ج ۲ و ۳). اصفهان: انتشارات دانشگاه اصفهان.
۳. دهخدا، علی اکبر و گروهی از نویسندگان زیر نظر محمد معین و جعفر شهیدی (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا، تهران: مؤسسه لغت‌نامه دهخدا و دانشگاه تهران.
۴. ژکس (۱۳۵۶). فلسفه اخلاق (حکمت عملی). ترجمه ابوالقاسم پورحسینی. تهران: سیمرغ.
۵. عمید، حسن (۱۳۸۰). فرهنگ عمید. تهران: امیرکبیر.
۶. قفطی، علی بن یوسف (۱۳۷۱ ق). تاریخ الحکماء قفطی، ترجمه فارسی از قرن یازدهم هجری. به کوشش بهین دارائی. تهران: دانشگاه تهران.
۷. معین، محمد (۱۳۸۰). فرهنگ فارسی یک جلدی. تهران: سرایش.
8. Bentham, Jeremy (2000). *An Introduction to the Principles of Morals and Legislation*. Kitchener: Batoche Books.
9. Frankena, William K. (1982). *Ethics*. New Delhi: Prentice-Hall of India.
10. Mill, John Stuart (1957). *Utilitarianism*, edited by Oskar Piest. New York: The Liberal Arts Press.
11. Rachels, James (2014). *The Elements of Moral Philosophy*, edited by Stuart Rachels. New York: McGraw-Hill.